

## پژوهشی بر دانش بومی سفال «کلپورگان»

مینا شیرانی\* ، اصغر ایزدی جیران\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

### چکیده

این مقاله به بررسی فرآیند تولید هنر سفالگری "کلپورگان"<sup>۱</sup> با رویکرد مردم‌شناسی هنر می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست که: نخست، چه دانش بومی در شیوه ساخت این سفالینه‌ها نهفته است؟ دوم، اطلاعات و اصطلاحات بومی رایج در ساخت آنها چیست؟ "کلپورگان" روستایی مرزی در استان سیستان و بلوچستان که به سفالینه‌ها و استمرار شیوه سنتی ساخت آنها مشهور است. فعالیت سفالگری این منطقه تنها توسط زنان، به روش دست‌ساز با ابزار ساخت بومی، نقش‌پردازی ذهنی و با تولید و توزیع اندک در حال اجراست. زنان حرفه سفالگری را از اجدادشان آموخته و این دانش بومی تولید سفال را به‌عنوان یک فرهنگ شفاهی نسل به نسل حفظ کرده و انتقال داده‌اند. واژه‌ها و نام‌های بومی و محلی برای نقوش و ابزارکار بخشی از هویت فرهنگ بلوچ و منزلت شغلی این هنر محسوب می‌شود. نقش‌مایه‌هایی که هرکدام بازنمودی از فرهنگ، آداب‌ورسوم و طبیعت منطقه بلوچستان است. روش پژوهش در این مقاله میدانی و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با مطلعین کلیدی و زنان سفالگر، انجام شده که برآیند آن عکسی مناسب از سنت سفالگری کلپورگان، شیوه‌های فرآوری مواد اولیه، مراحل ساخت و تولید را در برمی‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، سفال، کلپورگان، فرآیند تولید

\* کارشناسی ارشد هنر اسلامی مدرس مدعو دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان،

minashirany@gmail.com

ایران. (نویسنده مسئول).

a.izadijeiran@tabrizu.ac.ir

\*\* استادیار مردم‌شناسی علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

1. Kalpouregan

## مقدمه

دانش بومی گنجینه‌ای ارزشمند از تجربیاتی است که طی آزمون و خطای چند هزارساله جامعه در ارتباط با محیط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی بدست آمده که شامل باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزار و آگاهی‌های محلی آنها از فرهنگ و محیط زندگی‌شان است. این دانش شفاهی که شاخه‌ای از علم مردم‌شناسی محسوب می‌شود، (حاج‌علی محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۰) نسل به نسل و سینه‌به‌سینه بخش عظیمی از فرهنگ یک قوم را در بر گرفته و انتقال می‌دهد. دانش بومی متعلق به افراد محلی می‌باشد و منبعی است که در سطح محلی مدیریت می‌شود (Okereke, 2012: 302). همچنین مبنای اطلاعاتی است که ارتباطات و تصمیم‌گیری‌های یک جامعه را آسان می‌کند. نظام‌های بومی اطلاعات پویا هستند و پیوسته به‌وسیله آزمایش و خلاقیت و همچنین از طریق تماس و ارتباط با نظام‌های بیرونی تحت تأثیر و تغییر قرار می‌گیرند (Flavier, 1995: 482). اقوام بومی جهان برای ادامه حیات کاملاً به منابع محلی وابسته‌اند و برای فراهم کردن شرایط پایدار زندگی از منابع موجود در محیط‌زیست خود استفاده معقول می‌کنند. این روش مستلزم مهارت‌ها و آگاهی‌های خاص درباره محیط است (فرهادی، ۱۳۹۳: ۳).

بر اساس مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده گردآوری دانش بومی و کاربرد آن در توسعه و پیشرفت جوامع بسیار ارزشمند و مؤثر است، مطالعه روش‌های تولیدی و آداب‌ورسوم اقوام بومی و ثبت و سازمان‌دهی آنها می‌تواند نقش کلیدی و مهمی در رشد و ارتقا بخشی به منزلت دانش بومی داشته باشد. از طرفی ساخت سفال منقوش در جوامع سنتی، اجرای تصویری باورها و اندیشه‌های انسان از خود، جهان پیرامون و نیازهای او حاوی دانش گسترده بومی است. «کلپورگان» نیز یکی از مناطقی است که به سفالینه‌ها و استمرار شیوه سنتی ساخت آنها مشهور است. زنان این منطقه، حرفه سفالگری را از اجدادشان آموخته‌اند و تا امروز همان دانش سنتی و بومی را در شیوه ساخت و نوع نقش‌پردازی آن که به‌صورت ذهنی است، حفظ کرده‌اند، اما با گذر زمان

و به کار آمدن سفالگران جوان تغییراتی در کیفیت و نقوش ایجاد شده، حس می‌شود؛ بنابراین نگارندگان فهم و ثبت دانش بومی که سالیان درازی سفالگران بر آن پایبند بودند را ضروری دانسته و باین هدف به دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستند ۱- زنان روستای کلپورگان از چه روش و دانش بومی برای ساخت سفالینه‌های خود استفاده می‌کنند؟ ۲- اصطلاحات و اطلاعات بومی رایج آنها چیست؟

### پیشینه تحقیق

در خصوص سفال کلپورگان، شیرانی (۱۳۹۱) در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی انسان‌شناختی نقوش سفال کلپورگان" به تحلیل نقوش سفال‌ها با رویکرد مردم‌شناسی پرداخته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد نظری (۱۳۹۱) نیز در خصوص نشانه‌شناسی نقوش سفال کلپورگان است.

همچنین کتاب "سفالگری در بلوچستان ایران" نوشته نظری و همکاران (۱۳۹۳) سفال سه روستا در بلوچستان را مورد مطالعه قرار داده است.

مقاله "مطالعه نقوش سفالینه‌های معاصر روستای کلپورگان سراوان با رویکرد انسان‌شناسی هنر" زکریایی و همکاران (۱۳۹۴) نیز به تحلیل نقوش سفالینه‌ها با رویکرد مردم‌شناختی بر اساس نظریات فورگ پرداخته است.

مقاله "مطالعه تطبیقی نقوش سفالینه‌های کلپورگان با نقوش سوزن‌دوزی بلوچ" نظری و همکاران (۱۳۹۳) به مطالعه تطبیقی نقوش دو هنر بلوچ پرداخته‌اند. اما طبق بررسی‌های انجام شده توسط نگارندگان، با توجه به اهمیت دانش بومی در این منطقه و عملکرد آن در حفظ هویت فرهنگی تاکنون پژوهشی با این رویکرد انجام نشده است. مطالعات نشان می‌دهد که نظام‌های دانش بومی، به دلیل سیستمی بودن، انعطاف، حفظ تنوع زیستی، متکی بودن بر نیازها، مشارکتی بودن، در دسترس و ارزان بودن،

حفظ تعادل محیط‌زیست، چندبعدی بودن، منطبق بودن فرهنگ، می‌توانند نقش ویژه‌ای در فرآیند توسعه پایدار روستایی داشته باشند (ارفعی و زند، ۱۳۹۰: ۹۴).

می‌توان گفت سفال‌های تولیدی که برخاسته از دانش بومی است کالای فرهنگی محسوب شده و تجسم تصویری فرهنگ بلوچ است. مستندسازی و معرفی این دانش چون نشان‌دهنده مجموعه‌ای از مهارت‌ها، باورها، ابزارها و روش‌ها است و به منزله بخشی از میراث قومی و حافظه جمعی یک شیوه زندگی در این منطقه است قابل توجه و حائز اهمیت است و می‌توان با تبلیغات گسترده از طریق رسانه‌های مختلف باعث جذب توریست به این منطقه و مناطق بکر دیگری که هنوز برای اکثر مردم ناشناخته است شد و معیشتی پایدار برای روستاییان فراهم آورد. با نظر به ضرورت ذکر شده در این مقاله نگارندگان با رویکرد مردم‌شناسی به مطالعه و شناسایی روش‌های تولیدی سفال‌های کلپورگان و سپس به تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته‌اند. بی‌شک زنان این روستا با تجربیات ارزنده‌ای که در این زمینه دارند نقش کلیدی و مهمی در حفظ و انتقال این دانش به نسل‌های آینده دارند.

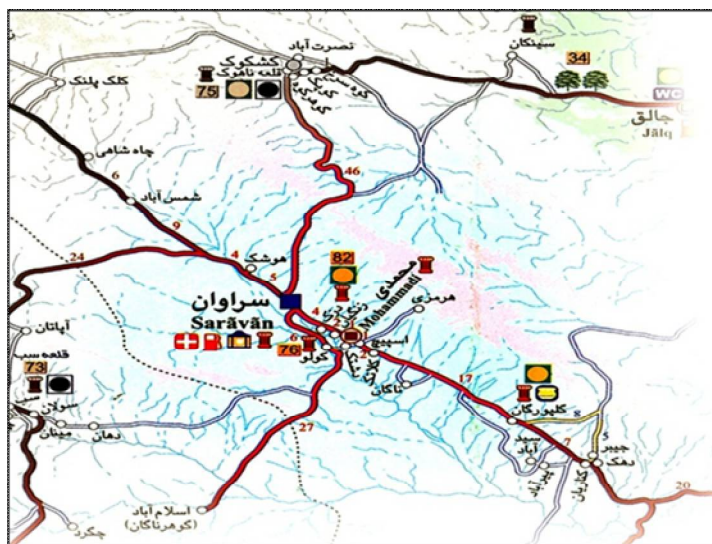
### روش‌شناسی و جامعه مورد مطالعه

مقاله حاضر به صورت کیفی، از نوع توصیفی-تحلیلی است. نگارنده اول طی اقامت دو ماهه در روستای کلپورگان با تکیه بر مشاهدات و پژوهش‌های میدانی - که از طریق مصاحبه، عکس‌برداری، فیلم‌برداری و مشاهده مشارکتی انجام شده - به گردآوری داده‌ها پرداخته است.

در تحلیل داده‌ها با رویکرد دانش بومی و به منظور شناخت کامل دانش سنتی سعی بر آن شده است تا چندین سطح تحلیلی در نظر گرفته شود. این سطوح شامل شناخت دانش، عملکرد، ساختار اجتماعی، باورها و سنت‌هاست. شناخت دانش بومی با دانش تجربی آغاز می‌شود. در سطح دوم تأکید بر عملکرد دانش بومی است. در

سومین سطح به ساختار اجتماعی مرتبط با دانش بومی توجه می‌شود. در بالاترین سطح تحلیل، تمرکز بر شکل‌گیری درک منطقی و ادراک زیست‌محیطی است که می‌تواند باورهای بومی، عقاید و سنت‌های محلی را در برگیرد (Kalland, 1994: 68). در این پژوهش به تحلیل شناخت دانش، عملکرد آن و ارتباط آن با سنت‌ها و باورهای فرهنگی پرداخته شده است.

جامعه مورد مطالعه شامل زنان روستای کلپورگان، یکی از روستاهای شهرستان سراوان که در فاصله ۲۵ کیلومتری آن قرار دارد، است. شهرستان سراوان در ناحیه جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان، در نزدیکی مرز پاکستان واقع شده است، از سمت شمال با شهرستان خاش، از غرب با شهرستان ایرانشهر، از جنوب غربی به شهرستان سرباز و از شرق و جنوب با کشور پاکستان هم‌جوار است. این روستا که متعلق به دهستان حومه است، ۱۳۳ خانوار و ۵۰۷ نفر جمعیت دارد که ۲۷۲ نفر مرد و ۲۳۵ نفر زن هستند.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی کلپورگان.

(آرشیو اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان)

کشاورزی، تجارت، سوزن‌دوزی و سفالگری، عمده فعالیت مردم این روستاست و شهرت این روستا به دلیل استمرار فعالیت سفالگری توسط زنان به شیوه‌ای کاملاً بومی است و به همین دلیل در شهریورماه سال ۱۳۹۶ به‌عنوان **نخستین روستای صنایع دستی به ثبت جهانی رسید**. در گذشته آب این روستا از قنات تأمین می‌شده اما متأسفانه به دلیل خشکسالی آب قنات هم خشک شده است. مردم روستا، وجه تسمیه روستای کلپورگان را به دو صورت بیان می‌کنند: یکی از وجوه آن را رویدن انبوه گیاهی دارویی به نام «کلپوره» در این منطقه می‌دانند؛ وجه دیگر آن نیز وجود مقبره «بی بی کلپوره» در جنوب این روستاست که اهالی روستا به پاکدامنی این بانو اعتقاد دارند و برای برآورده شدن حاجات خود به او متوسل می‌شوند.

اهالی روستا معتقدند در گذشته، در روستاهای اطراف بیماری وبا فراگیر می‌شود و مردم زیادی تلف می‌شوند؛ ولی از برکت وجود «بی بی کلپوره»، این روستا از شیوع بیماری وبا در امان می‌ماند. (آسیه دهواری، ۱۳۹۰: یادداشت ۱) هریک از روستاهای سراوان به دلیل رواج صنایع دستی مخصوصی به نام‌های دیگری نیز خوانده می‌شوند؛ چنان‌که به روستای کلپورگان، «کپل کشان» نیز می‌گویند که به علت مرسوم بودن کار سفالگری در این منطقه بدین نام شهرت یافته است و مردم بلوچ، ظروف سفالی را با نام «دیگ و کپل» می‌خوانند (دلمراد دهواری، ۱۳۹۰: یادداشت ۱).

مردم این روستا متعلق به طایفه دهواری‌اند. روستای کلپورگان در اقلیمی گرم و خشک قرار دارد، وجود نخلستان‌های سرسبز در میان کوه‌های سر به فلک کشیده چشم‌انداز زیبایی از طبیعت این روستا را عکس می‌کند. مردم کلپورگان سنی و حنفی مذهب هستند و به گویش بلوچی صحبت می‌کنند که ارتباط نزدیکی با زبان فارسی باستان دارد. در سال ۱۳۸۱ به مناسبت هفته میراث فرهنگی موزه زنده سفال کلپورگان که اولین کارگاهی است که به‌صورت سنتی و بومی به ساخت سفال می‌پردازند، در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. کارگاه سفالگری در زمینی با زیربنای ۱۷۹

پژوهشی بر دانش بومی سفال «کلپورگان» ۱۲۱

مترمربع در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ توسط فرمانداری محل در اختیار سازمان صنایع دستی قرار می‌گیرد تا مکانی برای فعالیت هنرمندان سفالگر باشد.

## یافته‌های پژوهش

### پیشینه تاریخی

بنا به گفته اهالی روستای کلپورگان، قدمت قنات کلپورگان به هفت هزار سال پیش می‌رسد. ظاهراً مردم این منطقه از دیرباز برای امرارمعاش خود به کار سفالگری اشتغال داشته‌اند. (دلمراد دهوری، ۱۳۹۰: یادداشت ۲) کلپورگان، نخست بر روی تپه‌ای در نزدیکی کلپورگان امروزی واقع بوده است؛ ولی پس از خشکسالی، ساکنان آن به منطقه کنونی کوچ کرده و در آن ساکن شده‌اند. پس از گذشت مدتی از اقامت آنها در این محوطه، طایفه دهوری فعالیت سفالگری را پس از وقفه‌ای نسبتاً طولانی، به همان سنت و روش پیشین ادامه می‌دهند خرده سفال‌هایی که هنوز بر روی تپه باستانی موجود هستند، گواه این مطلب است (صدیق دهوری، ۱۳۹۰: یادداشت ۱).



عکس ۱- تکه‌های سفال در تپه کلپورگان

به عقیده جی گلاک «سفالینه‌های کلپورگان به ظروف سفالی هزاره سوم پیش از میلاد که از حفاری‌های محوطه‌های بسیاری در سیستان و بلوچستان و کرمان به دست آمده، همانند است [شباهت دارد] و این امر تعیین عمر بسیاری از سفالینه‌هایی را که به تصادف در حفاری‌های پیدامی‌شوند، دشوار می‌سازد» (گلاک، ۱۳۵۵: ۴۵). پژوهشگران درباره قدمت چند هزارساله سفال کلپورگان دلایلی ذکر کرده‌اند، که عبارتند از:

۱- به نظر می‌رسد نخستین سفالگران در دنیا زنان بوده‌اند «سفالگری از هنرهای زنانه بوده و زنان از پیکر حمل‌کننده خود برای ساختن ظروف الهام گرفته‌اند. نقوش اولیه [نخستین] بر روی سفال نخستین، نشانه‌های میل به زیباسازی دست‌ساخت، افزون بر کار مفید آن است. چنین گرایشی نیز ماهیت زنانه دارد» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۲۳۳). لازمه ساختن ظروف خاکی، سکونت و اقامت طولانی در محلی ثابت است. مردان برای شکار و گشت‌وگذار بیرون می‌رفتند و زنان به‌منظور نگهداری بچه‌ها و تهیه و جمع‌آوری غذا ناگزیر به ماندن در مکانی ثابت بوده‌اند. ساختن ظرف سفالی نیز طی فرایندی زمان‌بر و طولانی انجام می‌شده است. در کلپورگان نیز زنان به کار سفالگری مشغول‌اند.

۲- زنان سفالگر کلپورگان، هرگز از چرخ سفالگری استفاده نکرده‌اند. هر ظرف سفالی در تمامی مراحل ساخت به‌طور دست‌ساز آماده می‌شود. چرخ سفالگری تا پیش از سال ۳۵۰۰ ق.م ابداع نشده بود و آن هنگامی بود که مردها به این صنعت علاقه‌مند شدند.

۳- اینکه سفال‌های ساخته شده در این روستا از گذشته تا به حال فاقد لعاب‌اند. رواج استفاده از لعاب بر روی سفالینه‌ها پس از ۹۰۰ ق.م رواج یافته است. تا پیش از این، سطوح ظروف کاربردی را با سنگ، صاف و هموار می‌کردند و صیقل می‌دادند.

۴- ماهیت ظروفی مثل عود دودکن گواه این مدعاست که این ظروف صرفاً به‌منظور نگهداری از خاکستر مرده استفاده می‌شده است. فرم ظاهری این ظرف هم



شاهدی برای این ادعاست. طبق مذهب اسلام، مرده‌ها را هرگز نمی‌سوزانند، بلکه دفن می‌کنند. در کیش زرتشتی که دین ایرانیان پیش از اسلام است، نیز مرده‌ها را نمی‌سوزانند. آیین مهرپرستی، مذهبی شرقی بود که پیروانش آفتاب را پرستش می‌کردند و در سال ۱۴۰۰ ق.م در بین‌النهرین گسترش یافته بود. سوزاندن مردگان در میان مهرپرستان در آن زمان رواج داشته است؛ بنابراین، آنها ظروفی برای خاکستر مرده نیاز داشته‌اند (Sorainen, 2006: 86).

۵- نحوه پخت سفال‌ها بدوی است که تا سال ۱۳۵۴ ش ظروف را درون گودالی می‌گذاشته و با خاشاک پر می‌کرده، سپس آتش می‌زده و می‌پخته‌اند. آثار این نوع پخت را بر روی ظروف قدیمی می‌توان مشاهده کرد.

۶- نحوه اتصال دسته ظروف به بدنه با روش رایج در سفالگری امروز متفاوت بوده است و می‌توان آنها را با سفالینه‌های ایرانی پیش از تاریخ قیاس کرد.

### مواد اولیه و ابزار ساخت

۱- خاک رُس: طبیعی است روستایی که سفالگری در آن انجام می‌گیرد در جایی واقع باشد که در آنجا فراوان خاک رُس با کیفیت بالا و قابل دسترسی، موجود باشد. در نزدیکی روستای کلپورگان یک ذخیره خاک رس به نام "مشکوتک" وجود دارد که از آنجا خاک رس مورد نیاز را استخراج می‌کنند. "مشکوتک" از ترکیب دو کلمه "مشک" و "کوتک" ترکیب یافته است. در لغت‌نامه سیدگنج که معتبرترین لغت‌نامه بلوچی است، آمده است: مشک به معنای مخلوط کردن دو چیز به وسیله مالش دادن و یا آسیاب کردن است و کوتک به معنی منزل و ساختمان، همچنین کوتک به معنای خرمن آمده، جایی که گندم یا چیز دیگری که برای خرد کردن جمع شده باشد. مشکوتک

جایی است که ماده اولیه سفال در آنجا جمع شده و برای خرد کردن آن را به کارگاه سفال منتقل می‌کنند. (عکس ۲)



عکس ۲- کوه مشکوتک

دو نوع خاک رُس در این منطقه در دسترس می‌باشد ۱- خاک رس ریز، ۲- خاک رس درشت. خاک خام به شکل گل اخرا می‌باشد اما بعد از پختن به رنگ قرمز در می‌آید. خاک رس را روی کامیون‌های کوچک بار می‌کنند و به محل کارگاه انتقال می‌دهند.

۲- "بنو": یا بشقاب سفالی که ظرف به روی آن ساخته می‌شود و گاهی با انگشتان پا به چرخش درمی‌آید. (عکس ۳)



عکس ۳- بنو، مینا شیرانی، ۱۳۹۰

۳. "گل موش"<sup>۱</sup>: تکه‌ای چوب به طول تقریبی پانزده تا بیست سانتی‌متر که برای شکل بخشیدن و کشیدن گل و صاف کردن بدنه استفاده می‌شود. (عکس ۳)
- ۴- "کروک"<sup>۲</sup>: نوار فلزی به شکل لبه کارد جهت برش زیر ظرف و نیز صاف کردن آن. (عکس ۴)



عکس ۴- گل موش (تکه چوب) و کروک (نوار فلزی در سمت راست عکس)

۵. "سوینوک"<sup>۱</sup> یا "سوهانک"<sup>۲</sup>: سنگ صافی که برای صیقل دادن سطح ظرف استفاده می‌شود. (عکس ۵)



عکس ۵- سوهانک جهت صیقل دادن ظروف سفالی، مینا شیرانی، ۱۳۹۰

۶. سنگ "تیتک"<sup>۳</sup>: سنگ تیتک رادر قدیم از منطقه سیدران در جنوب روستای ناگان تهیه می‌کردند ولی در چند دهه اخیر از کوه بیرک در بخش زابلی شهرستان سراوان تهیه می‌شود. این سنگ که نوعی سنگ منگنز می‌باشد و رنگ به‌دست‌آمده از آن، قهوه‌ای تیره است، پس از پخت در کوره ثابت می‌ماند. یک‌تکه از سنگ تیتک بر روی یک پایه سنگ صاف و سخت (وانک) سائیده شده، که پودر خیلی ریزی تولید می‌شود. در وسط سنگ تیتک کمی گود شده است تا پودر تیتک در آن بخش جمع گردد، برای ساختن یک ماده جوهری شکل، به آن آب اضافه می‌کنند که برای ترسیم تزئینات روی قطعه‌های سفالی بکار برده می‌شود. (عکس ۶)

- 
- 1.Soinok
  - 2.Sohanok
  - 3.Teitok



عکس ۶- سنگ تینک

۷- ابزار نقش گذاری: از تکه‌های کوچک چوب درخت گیشتر<sup>۱</sup> یا کریچ<sup>۲</sup> برای ایجاد نقش استفاده می‌کنند. به این دلیل که پوسیده نمی‌شوند و کمتر آب جذب می‌کنند همچنین برای نقش‌اندازی از دایره‌های کوچک از تکه پارچه کوچک و تابیده شده، استفاده می‌کنند. (عکس ۷)



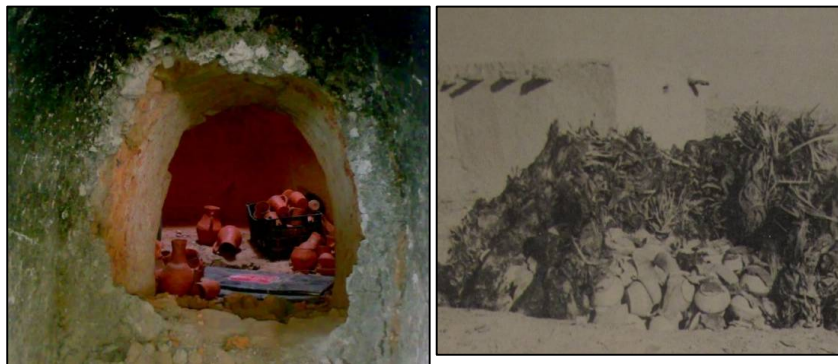
عکس ۷- ابزار نقش گذاری

- 
1. Gishter
  2. Karich

۸- کوره نفت‌سوز: در حال حاضر این کوره شامل دو طبقه است که مشعل در پایین آن تعبیه شده و ظروف سفالین از پایین حرارت می‌بینند. حدود چهارصد قطعه سفال در اندازه‌های متفاوت در کوره جای می‌گیرند و معمولاً تا وقتی که رنگ سفال به رنگ نارنجی درآید، عمل پخت ادامه می‌یابد (عکس ۸). در گذشته از کوره‌های هیزمی برای پخت سفال‌ها استفاده می‌شد. به این صورت که مقداری هیزم در یک گودال بیضی‌شکل یا دایره‌ای جمع‌آوری می‌کردند، سپس ظروف خام را در آن قرار می‌دادند به طوری که ظروف با قطر بدنه ضخیم در کف گودال و به ترتیب ظروف با قطر متوسط و ظریف بر روی آنها قرار می‌گرفت و مجدداً روی آنها را با هیزم می‌پوشاندند و آتش می‌زدند. ظروف حدود ۱۲ تا ۱۵ ساعت در معرض حرارت بودند و فرآیند پخت انجام می‌شد (عکس ۹).



عکس ۸- کوره برای پخت



عکس ۱۰- کوره نفت

عکس ۹- کوره سنتی

### روش ساخت سفال

ابتدا خاک رس را در حوضچه‌هاییکه با هم اختلاف سطح دارند، ریخته (عکس ۱۱) و سپس شستشو می‌دهند، خاکی که در حوضچه اول ریخته شده را کاملاً به هم می‌زنند تا در آب حل شود، سپس آب حوضچه اول را در حوضچه دوم که با آن اختلاف سطح دارد تخلیه می‌کنند. در بین دو حوضچه، یک توری قرار می‌دهند که شن‌ها و مواد زائد را از آب گل‌آلود جدا می‌کند. بدین طریق تنها آب گل‌آلود وارد حوضچه دوم می‌شود. تقریباً به مدت دو روز، مواد در حوضچه دوم می‌ماند. سپس به آهستگی آب حوضچه دوم را اگر تبخیر نشده باشد تخلیه می‌کنند و گل رس را که در ته حوضچه باقی مانده، جهت استفاده به محل کار حمل و پس از ورز دادن گل، شروع به ساخت ظروف سفالین می‌کنند.



عکس ۱۱- دوحوضجه تصفیه خاک

زنان بلوچ پس از تهیه گل رس، آن را خوب ورز داده (عکس ۱۲) و سپس با دست، ظرف موردنظر را می‌سازند. بدین ترتیب که مقداری گل را به صورتیک مخروط درآورده که نوک آن را با ضربه وسط یک پایه که "بنو" نام دارد، قرار می‌دهند. (عکس ۱۳) برای اینکه ظرف بعد از ساخته شدن به راحتی از پایه (بنو) جدا گردد، قبل از اینکه گل را روی پایه قرار دهند سطح آن را با یک تکه پارچه می‌پوشانند. سطح زیرین پایه یا بنو جهت سهولت کار با دست یا پا، کمی محدب می‌کنند. زیر پایه (روی کف زمین) یک لایه خاک می‌پاشند تا چرخش آن را آسان‌تر نماید. گل با انگشت شصت از وسط باز شده و سپس دیواره‌ها به طرف بالا و بیرون کشیده می‌شوند (روش پینچ ۱ یا انگشتی). (عکس ۱۴).





عکس ۱۲- ورز دادن گل      عکس ۱۳- قرار دادن گل بر روی بنو  
عکس ۱۴- بالا کشیدن گل

با دست راست، گل را به سمت داخلو بالا فشار می‌دهد، درحالی‌که دست چپ از بیرون ظرف موردنظر را کنترل می‌کند. (عکس ۱۵) وقتی استوانه به ارتفاع موردنظر رسید؛ آنگاه جهت بزرگ‌تر کردن ظرف، گل را با دست به صورت فتیله درآورده و سپس این قطعات را به ظرف اضافه می‌کنند و بقیه کار به روش کویلینگ<sup>۱</sup> و یا فتیله‌ای انجام می‌گیرد. بدین ترتیب که سعی می‌کنند کم‌کم با کشیدن گل، هم دیواره ضخیم استوانه نازک گردد و هم شکل ظرف موردنظر ساخته شود. (عکس ۱۶). پس از این

---

1. coiling

مرحله، شیء ساخته شده را به مدت چند دقیقه در آفتاب گذاشته تا آب سطحی آن گرفته شده (به اصطلاح چرمینه شود)، سپس به دور لبه‌ها، یک حلقه و یا فتیله می‌اندازند و جهت ساخت و شکل‌دهی گرد به طرف بالا فشار می‌دهند. (عکس ۱۷)



تصویر ۱۶- نازک کردن ظرف با چوب عکس ۱۵- جای قرارگیری دست‌ها

عکس ۱۷- اضافه کردن فتیله به ظرف عکس

روشی که در آن دستگیره‌ها را وصل می‌کنند با روش‌های ساخت سفال در سایر نقاط ایران متفاوت است. در کلپورگان دستگیره‌های از قبل آماده را با سراندان گل به سطح بالایی آن می‌چسبانند. دستگیره‌ها طوری در ظرف جا داده شده که گویا جزئی از خود بدنه شده است. بنا به نظر جی کلاگ<sup>۱۳</sup> «دسته‌های ظروف سفالین خواه به صورت حلقه‌های کوچک به روی سرپوش باشد یا دستگیره‌های محکمی بر بدنه

کوزه‌های آبخوری باشد، از لحاظ فنی بسیار ماهرانه‌تر از دسته‌های ظروف لعابی متعلق به قرون میانه تاریخ اسلام ساخته می‌شوند و از این رو آنها را فقط می‌توان با سفالینه‌های ایرانی پیش از تاریخ قیاس کرد. در سفالینه‌های عصر آهن و برنز و سفالینه‌های دسته‌دار نادر عصر مس‌سنگی، درحالی‌که بدنه هنوز مرطوب بود، دسته را به صورت امتدادی از بدنه از یک نقطه آن، منشعب می‌ساختند و یا در نقطه‌ای دیگر به زائده‌ای از بدنه متصل می‌کردند و یا به درون سوراخی از بدنه فرومی‌بردند. دسته‌های کلپورگان بدین گونه ساخته شده‌اند، بی‌آنکه جایگاه پیوستگی آنها به بدنه را بتوان دید؛ برخلاف سفالینه‌های امروزی، این دسته‌ها دیرتر از بخش‌های دیگر کوزه می‌شکنند» (گلاک، ۱۳۵۵: ۴۷).

وقتی ظروف تا حدودی آب خود را از دست دادند، آنها را از پایه کار برداشته و قسمت‌های پایین ظرف را با یک میله آهنی خالی می‌نمایند (هکس ۱۸)، سپس ظروف با پارچه پوشانده شده و در معرض آفتاب قرار می‌گیرند تا خشک شوند. در این هنگام سطح آنها را با پارچه‌ایکه از قبل مرطوب شده است، خیس می‌کنند و سطوح خیس شده را صیقل می‌دهند، یک سنگ صاف به اندازه انگشت شصت، بین انگشتان می‌گیرند و سطح را با حرکت‌های محکم و سریع مالش می‌دهند تا کاملاً صیقلی شود. (عکس ۱۹) سطوحی که به این روش درست شده‌اند، تمیز نگه‌داشتن‌شان آسان می‌گردد. وقتی سطح جلا پیدا کرد با پارچه‌ای از چربی دنبه گوسفند، تمام سطح آن را مالش می‌دهند، با این کار هم‌سطح صاف‌تر می‌شود و هم از پخش جوهر تیتیک جلوگیری می‌شود. (عکس ۲۰)



عکس ۱۸- تراشیدن ته ظرف      عکس ۱۹- صیقل دادن ظرف  
عکس ۲۰- مالیدن چربی بر سطح ظرف

پس از آماده شدن ظرف از سنگ تیتک برای تزیین آن استفاده می‌شود. (عکس ۲۱) یک تکه چوب به اندازه چوب کبریت، مثل مداد بین انگشتان گرفته می‌شود، چوب و انگشت هر دوی جوهر آغشته می‌شوند تا مقداری جوهر بین دو انگشت ذخیره شود؛ این شیوه بدون توقف و به دفعات، ترسیم تزئینات یکپارچه و بیشتر را ممکن می‌سازد. (عکس ۲۲) تزیین ظروف معمولاً از بخش میانی آغاز شده و نهایتاً لبه بالایی ظروف و

لبه پایینی آنها منقوش می‌شوند. دور دسته ظروف را عموماً با رنگ می‌پوشانند که به آن "سرزیح" می‌گویند. در این مرحله ظروف سفالی برای پختن در کوره آماده می‌شوند.



عکس ۲۱- آماده کردن جوهر تیتک      عکس ۲۲- نقش انداختن بر ظرف

در حال حاضر حدود بیست نوع ظرف در کلپورگان ساخته می‌شود که تعدادی از آنها از الگوهای قدیمی پیروی می‌کنند که سینه‌به‌سینه به زنان سفالگر رسیده است، تعدادی هم حاصل خلاقیت زنان سفالگری است که امروزه مشغول به کار هستند. هر ظرفی با شکل معین ممکن است در دو یا سه اندازه مختلف ساخته شود. الگوی رایج در این سفال‌ها کوزه‌های دهن‌گشاد با بدنه‌های گرد و مدور می‌باشد که گاهی پیش‌رفتگی‌هایی مانند لوله قوری و گردنه تُنگ، دسته‌ها و... به بدنه اصلی اضافه می‌شوند. تولید محصولات سفالین رامی‌توان تقریباً در چهارده نوع گروه‌بندی نمود: دیگ، خمره، کاسه، سینی، خمیردان، آفتابه، پارچ آب‌خوری، جا ماستی، لیوان، قوری، بشقاب، عود دود کن، مجسمه‌ها و اسباب‌بازی‌ها که برای تأمین کالاهای مورد نیاز زندگی روزمره و حتی تأمین معیشت خانوار ساخته می‌شوند. ساخت این محصولات کم‌هزینه، کاملاً سازگار با شیوه زندگی روستایی این زنان است.

جدول ۱- معرفی ظروف سفالی کلپورگان

نام ظرف	کاربرد ظرف	عکس ظرف	اندازه ظرف
دیزوک <sup>۱</sup>	دیگ است که برای پخت غذا از آن استفاده می‌کنند.		دیزوک را به اندازه قابلمه‌های معمولی می‌سازند که گنجایش شش تا هفت لیتر آب را دارد.
خُم <sup>۲</sup> (خُمِره)	از این ظرف برای نگهداری خرما و گندما استفاده می‌شود. در تابستان که فصل خرما چینی است، خرماها را در این ظرف نگهداری می‌کنند.		معمولاً ارتفاع ۳۸ سانتی‌متری و دهانه‌ای به قطر ۱۱ سانتی‌متر دارند.
کپَل <sup>۳</sup>	کاسه است که به جای آبگوشت‌خوری یا ماست‌خوری از آن استفاده می‌شود/		اندازه آن تقریباً به اندازه کاسه‌های معمولی است و کناره آن کاملاً گرد است.
سینی	سینی‌های پهن مخصوص پذیرایی		اندازه آن به قطر تقریبی ۲۰ سانتی‌متر
خَمیرو <sup>۴</sup>	خمیردان است که برای تهیه خمیر، به منظور پخت نان استفاده می‌شود.		ظرف معمولاً به ارتفاع ۲۴ سانتی‌متر و قطر دهانه ۱۳ سانتی‌متر ساخته می‌شود.

- 1.dizok
- 2.hom
- 3.kapal
- 4.hamiro







<p>معمولاً با ارتفاع ۲۷ و دهانه‌ای به قطر ۱۲ سانتی‌متر ساخته می‌شود.</p>		<p>آفتابه است. برای انتقال آب و وضو گرفتن و طهارت کردن کاربرد دارد.</p>	<p>دیم شودی<sup>۱</sup></p>
<p>قطری در حدود ۱۰ سانتی‌متر دارد که در قسمت میانی ظرف به ۲۰ سانتی‌متر می‌رسد و قطر گردنه کوتاه آن مانند پارچه‌های معمولی به حدود ۵ سانتی‌متر می‌رسد.</p>		<p>پارچ است و برای آب‌خوری استفاده می‌شود.</p>	<p>جک<sup>۲</sup></p>
<p>ارتفاع آن معمولاً به ۱۸ سانتی‌متر و قطر دهانه آن به ۱۲ سانتی‌متر می‌رسد.</p>		<p>تغار است که برای درست کردن ماست استفاده می‌شود.</p>	<p>کُلو<sup>۳</sup></p>
<p>معمولاً به ارتفاع ۳۸ سانتی‌متر و با دهانه‌ای به قطر ۱۰ سانتی‌متر ساخته می‌شود.</p>		<p>برای نگهداری آب در فواصل کوتاه زمانی کاربرد دارد.</p>	<p>کوزه</p>
<p>معمولاً به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر و قطر دهانه ۸ سانتی‌متر ساخته می‌شود.</p>		<p>ظرف ساده‌ای برای نوشیدنی است.</p>	<p>گدو<sup>۴</sup></p>

1.dimshodi

2.jak

3.kolu

4.gadu

<p>ارتفاع قوری معمولاً ۱۳ سانتی‌متر و قطر دهانه آن ۱۰ سانتی‌متر است.</p>		<p>قوری</p>	<p>چه جوش</p>
<p>معمولاً با ارتفاع ۶ سانتی‌متر و دهانه‌ای به قطر ۲۴ سانتی‌متر ساخته می‌شود.</p>		<p>بشقاب</p>	<p>بشقاب</p>
<p>شبیبه قلک‌های تنه گرد است که روی چهار پایه‌ای ۱۰ سانتی‌متری جا می‌گیرد</p>		<p>اسپند دودکن است که امروزه برای دود کردن اسپند از آن استفاده می‌کنند.</p>	<p>سوچکی<sup>۱</sup></p>
<p>ابعاد ظرف به طول ۱۸ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۳ سانتی‌متر است.</p>		<p>امروزه نوعی اسباب‌بازی برای کودکان است.</p>	<p>پرنده</p>
<p>ارتفاع ۱۳ و طول ۱۵</p>		<p>اسباب‌بازی</p>	<p>شتر</p>
<p>ارتفاع تقریبی ۳۰ سانتی‌متر و قطر کف ظرف ۱۵ سانتی‌متر است.</p>		<p>قلیان</p>	<p>چلیم<sup>۲</sup></p>

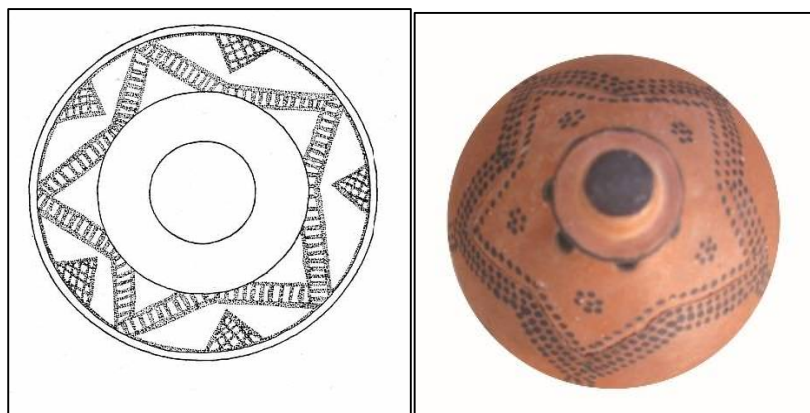
1. suchaki  
2. chalim



ارتفاع تقریبی ۲۵ سانتی متر و قطر شکم گلدان به ۱۵ سانتی متر می رسد.		گلدان	گُلجا
گنجایش تقریباً ۱۵۰ گرم قند را دارد.		قندان	کندان

#### چند نکته

ظرف سوچکی: هنرمند سفالگر بر دهانه ظرف با ترسیم چهار و گاهی پنج مثلث و ازگون تزئینی به شکل ستاره پنج پر نقش می کند که شاید نقشی از خورشید باشد که در سفالینه های مناطق دیگر هم می توان مشاهده کرد. سفالینه های قبرستان دامین در هزاره دوم پیش از میلاد از این جمله اند (عکس ۲۳).



عکس ۲۳- نقش ستاره پنج پر بر دهانه سوچکی  
عکس ۲۴- نقش ستاره پنج پر بر سفالینه های پیش از تاریخ در دامین؛ (Tosi, 1970: 27)

این ظرف، همچنین شبیه بخوردان‌های هزاره دوم پیش از میلاد در شمال غربی ایران است. شکل زیر، بخوردانی از منطقه گیلان را نشان می‌دهد که متعلق به هزاره اول پیش از میلاد است. «بلندی این ظرف ۱۶ سانتی‌متر است» (گلاک، ۱۳۵۵: ۵۰) که شباهت بسیاری به سوچکی کلپورگان دارد.



عکس ۲۵- بخوردانی از گیلان هزاره اول پیش از میلاد (گلاک، ۱۳۵۵: ۵۰)

در این روستا آثار دیگری نیز ساخته می‌شده است که امروزه نوعی اسباب‌بازی برای کودکان است. پرندگان توخالی، یکی از این نمونه‌هاست که موارد استفاده بسیاری دارد (عکس ۲۶). سازندگان این آثار ادعا می‌کنند که این وسیله برای آب دادن گیاهان به کار می‌رفته است. طبق اظهار نظر بعضی از پژوهشگران، کوزه‌های پرنده‌ای شکل پیش از اسلام نیز کاربردهای بسیاری داشتند. یک نظریه درباره ظروف یادشده این است که این ظروف برای نگهداری مایعات مقدس در مراسم مذهبی استفاده

می‌شده‌اند. نظریهٔ دیگر بر این استوار است که این ظروف، کاربردی شبیه ریتون<sup>۱</sup> داشته‌اند (Sorainen, 2006: 89).

امروزه این ظروف به شکل پرنده‌ای توخالی، با پوزه‌ای به شکل لولهٔ ناودانی ساخته می‌شوند. به‌طورکلی، این نوع ساخت‌وساز قطعاً اشاره به مفهومی رمزی و تمثیلی دارد که با تعبیر و تفسیر نمی‌توان به‌طور دقیق به کاربردهای ذهنی و عملی آن پی برد. بعضی از باستان‌شناسان این‌گونه ساخته‌ها را ظروف تدفین و اشیاء مذهبی معرفی کرده‌اند؛ زیرا این ظروف به ابریق‌های قرن هشت و نه پیش از میلاد شباهت دارند.

عکس ۲۶، ابریق سفالین نخودی رنگ کبوتر شکل منقوشی با ابعاد ۱۳×۱۸ است که از تل باکون در تخت جمشید به‌دست آمده است (کامبخش فرد، ۱۳۷۹، ۵۱۵). شباهت آن با ظروف پرنده‌ای شکل ساخته شده در کلپورگان نیاز به توضیح ندارد.



عکس ۲۶- ابریق سفالی به شکل پرنده قبل از تاریخ  
عکس ۲۷) اسباب‌بازی سفالی پرنده از کلپورگان (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۵۴۲)

مجسمه‌های کوچکی با طرح شتر نیز در این منطقه ساخته می‌شود که امروزه اسباب‌بازی کودکان است (عکس ۲۸). بی‌شک در گذشته این حیوان برای اهالی روستا تقدس خاصی داشته است؛ زیرا یار همیشگی آنها در بیابان‌های بلوچستان بوده است و ظروف سفالی را برای فروش به روستاهای اطراف با شتر حمل می‌کرده‌اند. شتر در بسیاری از حماسه‌های بلوچ نقش مهمی ایفا می‌کند و همواره در روند داستان مؤثر است. «شتر، نماد صبر و تحمل و استقامت، حیوان کویر و خشکی و آفتاب است و نام زرتشت نیز از آن مشتق شده است» (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۴۳). این اسباب‌بازی‌ها نیز شبیه به اسباب‌بازی‌هایی است که از دیگر مناطق باستانی کشف شده است. شکل زیر یکی از همین اسباب‌بازی‌هاست که از پیرامون میناب در کرانه خلیج فارس به دست آمده است (عکس ۲۹).



عکس ۲۹- اسباب‌بازی سفالین از میناب

عکس ۲۸- مجسمه شتر

(گلای، ۱۳۵۵: ۴۲)

#### ۴-۶- معرفی نقوش







منقوش کردن ظروف سفالی در گذشته یکی از راه‌های ارتباط میان اقوام مختلف بوده است، انسان‌ها همواره به دنبال راهی برای ثبت و انتقال عقاید، باورها و احساسات

پژوهشی بر دانش بومی سفال «کلپورگان» ۱۴۳

و اندیشه‌های خود بودند و تا اختراع خط از زبان عکس و نقوش عکسی استفاده می‌کردند. نشانه‌های عکسی و نمادها همواره حامل مفاهیمی هستند که نگرش و اعتقادات قوم و سرزمین را بیان می‌کنند؛ بنابراین با کسب شناخت و معرفت به این نقوش می‌توان به گنجینه اطلاعاتی از اعصار و مناطق مختلف دست یافت. به‌طورکلی، عناصر تشکیل‌دهنده نقوش سفال کلپورگان عبارت‌اند از نقطه، خط، دایره و تکرار.

جدول ۲- ساختار نقوش کلپورگان

نام‌نقش	ترکیب قرارگیری	عکس نقش روی سفال
 نقش تکوک	نقطه‌های توپر که به‌صورت ممتد اطراف نقوش اصلی به طرز افقی و یا عمودی قرار می‌گیرند.	
 نقش گیلو	دایره‌های توخالی که به‌صورت متوالی و افقی دورتادور قسمت بیرونی ظروف قرار می‌گیرند.	
 نقش کبل	دایره‌های توخالی که به‌صورت تلوژی‌های متوالی در کنار هم قرار می‌گیرند.	
 نقش گله حوشک	خطوط شکسته به‌صورت متقارن که گاه طولی و گاه در ترکیب چلیپایی بر روی سفالینه‌ها قرار می‌گیرند که تداعی نقش گندم است.	

 <p>نقش چتل</p>	<p>دایره‌های توخالی که به صورت خط مارپیچ در کنار هم قرار می‌گیرند.</p>	
 <p>نقش کونرک</p>	<p>لوزی که به چهار قسمت مساوی تقسیم شده و تداعی میوه درخت خرما و وحشی است. کهنه‌صورت خوشه‌ای بر روی سفالینه‌ها قرار می‌گیرد.</p>	
<p>نقش چت</p>	<p>از ترکیب نقش کونرک و گله حوشک نقش چت که به معنا و تداعی کننده شاخه درخت خرماست شکل می‌گیرد.</p>	
<p>نقش سرک</p>	<p>از قرارگیری دایره‌های کوچک پر و خالی در ترکیب دایره‌ای این نقش شکل می‌گیرد.</p>	

نقوش سفالینه‌های کلپورگان همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، عبارت‌اند از: تکوک<sup>۱</sup>، گیلو<sup>۲</sup> و گل‌هوشک<sup>۳</sup>، کُبل<sup>۴</sup>، چت<sup>۵</sup>، چتَل<sup>۶</sup>، کونرک<sup>۷</sup> و سرک<sup>۸</sup>.  
به‌طور کلی، با توجه به شکل نقوش می‌توان ویژگی‌های عمده سبک موجود در نقوش سفالینه‌ها را این‌گونه خلاصه کرد:

۱- استفاده از خطوط انتزاعی (در بیشتر نقوش)؛

1. tekok
2. gilul
3. galeyehushak
4. kobl
5. chat
6. chotal
7. konarok
8. sarok

- ۲- استفاده از خطوط شکسته (در بیشتر نقوش)؛
  - ۳- وجود قطب مرکزی در تزئینات مدور؛
  - ۴- در حصار قرار گرفتن فریزهای نقش مایه‌ای؛
  - ۵- بازنمود نیمه‌ای و تقارن؛
  - ۶- ترکیب‌بندی برخی نقش‌ها به صورت خطوط متقاطع عمود بر هم در راستای چهار جهت اصلی جغرافیایی؛
  - ۷- ترکیب‌بندی برخی نقش‌ها به صورت اشکال هندسی لوزی و مثلث؛
  - ۸- ترکیب‌بندی بیشتر نقوش به صورت خطی ممتد در فضای افقی.
- تیبین‌هایی که اهالی روستا درباره طرح‌های تزئینی بیان می‌کنند، نشان‌دهنده آن است که شکل کلی نقوش در ذهن آنها نتیجه تلاش برای بازنمایی اندیشه‌ای خاص با ابزارهای هنر تزئینی است که بازنمود باورها، اعتقادات مذهبی و آیینی، آداب و رسوم و برگرفته از طبیعت و اقلیم منطقه است که در این مقاله نمی‌گنجد. در واقع زنان هنرمند روستا با کشیدن نقوش سفال، به بازنمود شکلی محتوای اندیشه خود در این هنر سنتی پرداخته‌اند.

### نتیجه‌گیری

زنان روستای کلپورگان به عنوان عضو جدایی‌ناپذیر و مهم این منطقه علاوه بر مسئولیت‌های بی‌شماری که در ارتباط با مدیریت امور منزل دارند، دارای دانش تحسین‌برانگیزی در ارتباط با هنر سفالگری، شناخت ابزار و مواد مورد استفاده هستند که راه‌حل‌ها و روش‌های خاص خود را اعمال می‌کنند. همچنین در طی ساخت سفال کلپورگان به همراه دانش خود بسیاری از سنت‌ها و باورهای منطقه را نیز حفظ کرده و در قالب نقش‌مایه‌های سفالین انتقال می‌دهند. باورهایی که ریشه در هویت فرهنگی و بومی مردمان این منطقه دارد. با نگاهی به ابزار کار سفالگران این روستا به این مطلب پی خواهیم برد که زنان روستا از تمام ظرفیت‌های موجود در محیط استفاده برده‌اند. آنان

به‌مرور آموخته‌اند که چگونه با استفاده از امکانات محیط خود به بهترین نحو ممکن در ساخت سفالینه‌ها بهره ببرند، همچنین تأثیر اقلیم و عناصر حیات‌بخش از جمله نقش آب، درخت خرما، شتر و... را می‌توان در نقش‌مایه‌ها و فرم‌ها دید.

آنها با حفظ کردن فرایند ساخت سفال در طی سالیان و منقوش کردن ظروف سفالی با طرح‌های انتزاعی و هندسی در واقع هویت جامعه خود که شامل اعتقادات و باورها، سنت‌ها و به‌طورکلی فرهنگ جامعه است را حفظ نموده و این حفظ میراث اجدادی، خود، روشی برای زندگی بومی مردمان این منطقه است. دانش بومی زنان بلوچ در خصوص تولید سفال، میراث و سرمایه بومی این روستا است که برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی از آن بهره می‌برند. این دانش نقش ویژه‌ای در بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی روستاییان ایفا می‌کند. به‌طوری که به‌کارگیری دانش بومی، اجتماعات محلی را توانمند می‌سازد و به بهبود اثربخشی در کاهش فقر یاری می‌بخشد (Gorjestani, 2000: 7).



## منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۸)، **جغرافیای ناحیه‌ای جنوب شرق ایران با تأکید بر سیستان و بلوچستان**، تهران: نشر سمت.
- ارفعی، معصومه و زند، آناهیتا. (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر در دانش بومی در مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی»، **نشریه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی**، دوره ۴، شماره ۳.
- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۶۷)، **زرتشت، مزدیسنا و حکومت**، ترجمه: مامک نوربخش، تهران: نشر انتشار.
- برقی، محمد. (۱۳۵۲)، **نظری به بلوچستان**، تهران: نشر سپیده.
- بوزرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۴)، «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره ۹، شماره ۱.
- شیرانی، مینا. (۱۳۹۱)، **بررسی انسان‌شناختی نقوش سفال کلپورگان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته هنر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳)، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی: نان شب مردم‌نگاران ایران»، **دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران**، شماره ۲.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۹)، **سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر**، تهران: نشر ققنوس.
- گلاک، جی. (۱۳۵۵)، **سیری در صنایع دستی ایران**، ترجمه: حمید عنایت، تهران: نشر بانک ملی ایران
- حاجی علی محمدی، هما. (۱۳۸۵)، «فناوری تهیه زغال در ایران، پژوهشی در حوزه دانش بومی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۴.
- مهرین، مهرداد. (۱۳۶۴)، **دین مزدایی**، تهران: نشر فروهر.
- نظری، امیر. (۱۳۹۱)، **نشانه‌شناسی سفال معاصر کلپورگان و ساخت سرامیک‌های کاربردی به روش خاتم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان.
- نظری، امیر؛ زکریایی کرمانی، ایمان و شفیعی، مهرانوش. (۱۳۹۳)، **سفالگری در بلوچستان ایران**، تهران: نشر سیمای دانش.

– نظری، امیر؛ زکریایی کرمانی، ایمان و شفیعی، مهنوش. (۱۳۹۴)، «مطالعه نقوش سفالینه‌های معاصر روستای کلپورگان سراوان با رویکرد انسان‌شناسی هنر»، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۳۶.

– نظری، امیر؛ زکریایی کرمانی، ایمان و شفیعی، مهنوش. (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی نقوش سفالینه‌های کلپورگان با نقوش سوزن‌دوزی بلوچ»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۴، شماره ۸.

– وزیری، علینقی. (۱۳۶۹)، تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران: دانشگاه تهران.

- Flavier, J.M. (1995). *The regional program for the promotion of indigenous knowledge in Asia* In. D.M. Warren, L.J. Slikkerveer and D. Brokensha (Eds.) *The Cultural Dimension of development: Indigenous Knowledge Systems*. London, Intermediate Technology Publications. Pp 479-487.
- Gorjestani, N. (2000). *Indigenous knowledge for development: opportunities and challenges*. A presentation at the UNCTAD Conference on Traditional Knowledge, Geneva, November 1. Retrieved, April 14, 2014 from
- Kalland, A. (1994). *Indigenous knowledge- local knowledge: prospects and limitation. In Arctic Environment*. A report on the seminar on integration of indigenous peoples' knowledge. Copenhagen: Ministry of the Environment, the Home Rule of Greenland, pp: 67-50.
- Okereke, E. (2012). "Indigenous knowledge system, The need for reform and the way forward global advanced reaserch", *journal of Agricultural science*. 1(8): 201-09.
- Sorainen, Elina. 2006. A Wave, a Chain, and a Dategrove. "Living Museum" as a Protector of the Women Potters' Tradition in an Iranian Village. *phd diss*. Universty of Art and Design, Helsinki, Finland.
- Tosi, M. (1970). *A Tomb from Damin and the Problem of the Bampur Sequence in the Third Millennium B.C*. New Series, Vol.20. Nos. 1-2.

#### مطالعین کلیدی:

– عبدالسلام بزرگ‌زاده مدیرکل سابق صنایع‌دستی استان سیستان و بلوچستان، میزان تحصیلات: کارشناسی صنایع‌دستی.

پژوهشی بر دانش بومی سفال «کلپورگان» ۱۴۹

- محمد صدیق دھواری، سمت: رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سراوان. میزان تحصیلات: کارشناسی.
- دلمراد دھواری، سمت: مسئول کارگاه سفالگری روستای کلپورگان. میزان تحصیلات: دیپلم.
- آسیه دھواری، سمت: سفالگر، تحصیلات: کارشناسی.
- پریناز آزاد، سمت: سفالگر، تحصیلات: ابتدایی.
- ماه بی بی دھواری، سفالگر، تحصیلات: بی سواد.
- مراد بی بی دھواری، سفالگر، تحصیلات: ابتدایی.

مطالعین کلیدی

سن	تحصیلات	سمت	اسم
۴۶ سال	کارشناسی صنایع دستی	مدیرکل سابق صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان	عبدالسلام بزرگ‌زاده
۴۱ سال	کارشناسی	رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سراوان	محمد صدیق دهواری
۴۹ سال	دیپلم	مسئول سابق کارگاه سفالگری روستای کلپورگان	دلمراد دهواری
۲۵ سال	کارشناسی	سفالگر	آسیه دهواری
۴۷ سال	ابتدایی	سفالگر	پریناز آزاد
۵۶ سال	بیسواد	سفالگر	ماه بی بی دهواری
۵۳ سال	ابتدایی	سفالگر	مراد بی بی دهواری